

# احتمال جنگ نظامی وجود ندارد

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

محدودیت‌های آمریکا

برای حمله به ایران

# احتمال جنگ نظامی وجود ندارد

## محدودیت‌های ایالات متحده برای حمله نظامی به ایران

سرشناسه: جنتی، محسن، ۱۳۶۳-  
عنوان و نام پدیدآور: احتمال جنگ نظامی وجود ندارد، محدودیت‌های ایالات  
متحده برای حمله نظامی به ایران/ نویسنده محسن جنتی؛ ویراستار علیرضا سالوند  
مشخصات نشر: تهران: خبرگزاری فارس، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۳۰۰ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۲۰-۷۱-۶  
وضعیت فهرست نویسی: فیا  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۸۳ - ۳۰۰  
عنوان دیگر: محدودیت‌های ایالات متحده برای حمله نظامی به ایران  
موضوع: ایران -- روابط خارجی -- ایالات متحده  
Iran -- Foreign relations -- United States  
ایالات متحده -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۰  
United States -- Foreign relations -- Iran  
ایالات متحده -- روابط خارجی -- ایران  
United States -- Politics and government -- 20th century  
ایران -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۰  
Iran -- Politics and government -- 20th century  
ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸- -- دخالت ایالات متحده  
Iran -- History -- Islamic Republic, 1979 -- Participation, United States  
شناسه افزوده: سالوند، علیرضا، ویراستار  
رده بندی کنگره: DSR13۹  
رده بندی دیویی: ۳۲۷/۵۵۰۷۳  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۲۶۸۵  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

نویسنده: محسن جنتی | ویراستار: علیرضا سالوند  
ناشر: مؤسسه خبرگزاری فارس | چاپ و صحافی: پردیس دانش  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۲۰-۷۱-۶ | شمارگان: ۵۰۰ نسخه  
قیمت: ۱۵۰,۰۰۰ تومان | نوبت چاپ: دوم، ۱۴۰۳ | گرافیک: ایمان ماندگاری

معاونت آموزش و پژوهش خبرگزاری فارس، تهران، ضلع شمال  
شرقی تقاطع انقلاب اسلامی و خیابان حافظ، کوچه شهید سعیدی.  
معاونت آموزش و پژوهش خبرگزاری فارس، انتشارات خبرگزاری فارس  
شماره تماس: ۶۶۹۷۳۹۷۴ - ۲۱.

www.book.farsnews.ir

## بسمه تعالی

تعارض منافع و تعارضات ایدئولوژیک را می‌توان یکی از اصلی‌ترین عوامل بروز جنگ‌ها از گذشته تا به امروز دانست. رهیافت واقع‌گرایی مهمترین هدف دولت‌ها، به‌عنوان بازیگران اصلی عرصه بین‌المللی را "حفظ بقا" می‌داند از این رو هرگاه منافع حیاتی که بقا و موجودیت کشورها به آن وابسته است مورد تهدید قرار گیرد، آتش جنگ برافروخته می‌گردد. گاه این ایدئولوژها هستند که به جدال با یکدیگر بر می‌خیزند و در این میان هر کدام دیگری را که یک مکتب فکری مولد برای یک کشور است، مورد تهدید قرار می‌دهد و این امر عاملی برای بروز جنگی تمام عیار خواهد بود.

ایالات متحده آمریکا ۴۳ سال است که در منطقه‌ی فوق استراتژیک جنوب غرب آسیا در تعارض ایدئولوژیکی و تعارض منافع با جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و علی‌رغم وجود درگیری‌های تاکتیکی محدود، این تعارضات تا کنون به جنگ نظامی تمام عیار میان دو کشور منجر نگردیده است. مسئله‌ای که افکار عمومی ایران و آمریکا را بویژه در مواقع تشدید تنش‌ها به خود مشغول ساخته است.

پاسخ به چرایی این موضوع نیازمند بهره‌گیری از آراء و نظرات کارشناسی و علمی اندیشمندان مختلف شرقی و غربی در حوزه‌های علوم نظامی، سیاسی و استراتژیک است که توسط آقای محسن جنتی جهرمی از پژوهشگران همکار با انتشارات خبرگزاری فارس به رشته تحریر درآمده است.

امید که این مجلد از مجموعه کتاب‌های انتشارات خبرگزاری فارس، همانند مجلدات پیشین این انتشارات، یاری‌رسان جامعه علمی و کارشناسان این حوزه تخصصی قرار گیرد.

## فهرست

|    |                                                                                  |
|----|----------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۵ | مقدمه                                                                            |
| ۳۳ | ایران، کشوری دشمن پرور                                                           |
| ۵۱ | سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا<br>و رویکرد این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران |
| ۵۴ | انزوای گرای در سیاست خارجی آمریکا (۱۹۱۷-۲۰۰۱)                                    |
| ۵۷ | بین‌الملل‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا                                            |
| ۶۰ | توسعه‌گرایی ساختاری در سیاست خارجی آمریکا (۱۹۴۵-۱۹۷۹)                            |
| ۶۲ | نظم نوین جهانی و مداخله‌گرایی توسعه‌یافته<br>در سیاست خارجی آمریکا (۱۹۹۱-۲۰۰۱)   |
| ۶۷ | جنگ‌های منطقه‌ای آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱                                   |
| ۷۱ | ۶. راهبرد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران عصر پهلوی                             |
| ۷۷ | سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران                                   |
| ۸۱ | سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران بعد از جنگ سرد                                  |
| ۸۴ | امکان‌پذیری کنش عملیاتی و تاکتیکی آمریکا در برخورد با ایران                      |
| ۹۱ | واقع‌گرایی و استراتژی بازدارندگی                                                 |
| ۹۳ | نظریه بازدارندگی                                                                 |

- ۹۸ بازدارندگی منطقه‌ای
- ۹۹ مدل منطقی بازدارندگی
- ۱۰۰ مدل فیزیکی بازدارندگی
- ۱۰۳ عوامل مؤثر بر بازدارندگی منطقه‌ای
- ۱۰۴ بازدارندگی متعارف دفاعی
- ۱۰۵ بازدارندگی غیرمستقیم (مثلثی)
- ۱۰۶ بازدارندگی شبکه‌ای
- ۱۰۸ بازدارندگی مستقیم یا متقابل
- ۱۰۹ بازدارندگی نامتقارن
- ۱۰۹ جنگ نامتقارن
- ۱۱۱ ویژگی‌های جنگ نامتقارن
- ۱۱۲ تهدید نامتقارن
- ۱۱۶ استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران
- ۱۲۱ بازدارندگی متعارف دفاعی جمهوری اسلامی و امکان پذیری رویارویی نظامی آمریکا با ایران
- ۱۲۴ سناریوی حمله نظامی ایالات متحده به ایران
- ۱۳۱ دفاع مسطح (موزائیکی)
- ۱۳۶ تهدید امنیت ترانزیت کالا و صادرات انرژی
- ۱۴۲ جنگ نامتقارن
- ۱۴۴ نیروهای نیابتی و گروه‌های هم‌پیمان ایران در منطقه
- ۱۴۹ حزب الله لبنان
- ۱۵۵ انصارالله یمن
- ۱۵۹ حشدالشعبی عراق



|     |                                                                        |
|-----|------------------------------------------------------------------------|
| ۱۶۴ | جنگ نامتقارن دریایی                                                    |
| ۱۷۲ | توانمندی موشکی                                                         |
| ۱۸۱ | نتیجه‌گیری                                                             |
| ۱۸۹ | مثالث قدرت بازدارنده جمهوری اسلامی<br>در برابر سیاست تهاجمی امریکا     |
| ۱۹۲ | حمله مستقیم ایران به کشورهای متحد امریکا                               |
| ۱۹۲ | اسرائیل                                                                |
| ۲۰۰ | هم‌پیمانان عرب امریکا                                                  |
| ۲۰۶ | نتیجه‌گیری                                                             |
| ۲۱۱ | بازدارندگی شبکه‌ای ایران و کاهش ضریب امکان‌پذیری<br>تهاجم نظامی امریکا |
| ۲۱۵ | شبکه ژئو اکونومیکی خلیج فارس                                           |
| ۲۲۲ | شبکه ژئوپلیتیکی با چین و روسیه                                         |
| ۲۲۳ | روسیه                                                                  |
| ۲۳۴ | چین                                                                    |
| ۲۴۵ | شبکه ژئوکالچری شیعی                                                    |
| ۲۵۲ | نتیجه‌گیری                                                             |
| ۲۵۹ | کلام آخر                                                               |
| ۲۸۳ | الف) منابع تصاویر                                                      |
| ۲۸۴ | ب) منابع فارسی                                                         |
| ۲۸۹ | ج) منابع انگلیسی                                                       |

### بسمه تعالی

جامعه ایرانی بر خلاف خیلی از جوامع، جامعه‌ای سیاسی و دارای تحلیل است، به شکلی که مطالب سیاسی و تحلیل‌های مختلف در مورد مسائل روز، نُقل محافل خانوادگی، گعده‌های دوستانه، مسافرت‌های درون شهری با تاکسی و اتوبوس و حتی مجالس خواستگاری و ترحیم است.

یکی از موضوعاتی که هر بار با پرتک‌پرشان منازعات میان ایالات متحده امریکا و جمهوری اسلامی در تحلیل‌های سیاسی مردم و برخی نخبگان سیاسی جای می‌گیرد، احتمال جنگ یا حمله امریکا به ایران است و اینکه در صورتی که این جنگ اتفاق بیفتد چه خواهد شد.

بعضی معتقدند امریکا نمی‌خواهد با ایران بجنگد و اگر بخواهد جنگی را آغاز کند، ظرف چند ساعت ایران را نابود می‌کند. عده‌ای هم معتقدند جمهوری اسلامی متعادل‌کننده قدرت و عامل ایجاد توازن میان قدرت کشورها در جنوب غرب آسیاست و وجود این کشور با نظام سیاسی اسلامی اساساً به سود ایالات متحده است و خود حاضر نیست این سرمایه را از بین ببرد.

این سؤال و جواب‌ها و تحلیل‌های مختلف همیشه مشغله‌ای ذهنی برای

من بود تا آنجایی که مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء صلوات الله علیه و آله در ۱۳۹۷/۰۶/۱۱ ضمن تأکید بر لزوم هوشیاری و توانمندسازی هرچه بیشتر توان دفاعی کشور فرمودند: «از لحاظ محاسبات سیاسی، احتمال جنگ نظامی وجود ندارد».

این تحلیل مصادف بود با ورود من به مقطع کارشناسی ارشد رشته مطالعات امریکای شمالی در دانشگاه تهران و دسترسی به استادان و دانشمندان حوزه‌های مختلف علوم سیاسی و یادگیری روش‌های تحقیق و پژوهش علمی؛ از این رو بهترین فرصت بود تا به میزان انطباق این جمله با واقعیت پردازم؛ چراکه وجود ترامپ در رأس رهبری ایالات متحده و تهدیدات جان بولتون و نتانیا هو در کنار تحلیل‌های محمدجواد ظریف مبنی بر عدم توانایی ایران در مقابله با حمله نظامی ایالات متحده، بیش از پیش به نگرانی‌های مردم کوچک بازار افزوده بود.

هرچند بسیاری از دوستان دانشجوی و استادان من را از پرداختن به این موضوع برحذر داشتند و معتقد بودند با وجود ترامپ و تشدید درگیری‌های تاکتیکی محدود میان ایران و امریکا، احتمال بروز این جنگ قوت یافته است. با توجه به شناخت از منطق سیاست خارجی ایالات متحده در بازدارندگی تهاجمی آن، که در صورت تشخیص سنگینی منفعت به هزینه در ترازوی دستگاه تصمیم‌گیری‌شان، لحظه‌ای برای حمله درنگ نخواهند کرد و اینکه تاکنون این اقدام صورت نگرفته است، مطمئن بودم که محذوریتی در تحقق این امر وجود دارد و برای انجام این پژوهش انگیزه و قدرتی بیشتر یافتم.

نتیجه این تحقیقات کتاب حاضر است که حاصل سه سال تحقیق و



پژوهش علمی و رجوع به منابع، کتاب‌ها و مقالات دانشمندان و تحلیل‌گران علوم استراتژیک ایران و جهان است که در آن تلاش شده است فارغ از هرگونه سوگیری و جانبداری به بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر دستگاه تصمیم‌گیر ایالات متحده آمریکا در قبال حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران بپردازد و پاسخی مناسب و علمی به عدم تحقق این سیاست از سوی آمریکا داشته باشد.

در این مسیر استادان، دانشمندان و افراد زیادی بودند که با دانش و دلگرمی‌هایشان مسیر را برای رسیدن به نتیجه هموار کردند؛ اما بر خود فرض می‌دانم که ضمن تشکر از همسر و فرزند دلبندم که در طی این مسیر با من همراه و همدل بودند، از کمک‌های بی‌دریغ دکتر ابراهیم متقی، عضو هیئت علمی و رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و دکتر مهدی فیروزکوهی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین علیه السلام در انتقال دانش و راهنمایی‌های بی‌منتشان کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

و من الله التوفیق

محسن جنتی جهرمی

جمعه ۱۴۰۱/۰۸/۲۷

## مقدمه

ایران کشوری است که به واسطه ویژگی های جغرافیایی و منابع سرشار، از موقعیت خاصی در جهان برخوردار است. از بعد جغرافیایی، این کشور به مثابه پلی است که شرق و غرب را به یکدیگر متصل می کند و به شکلی خاص در میان سه منطقه استراتژیک آسیای مرکزی، قفقاز، غرب آسیا و خلیج فارس قرار گرفته است و به گونه ای نقش حلقه واصل میان این مناطق را دارد. این کشور در مرکز ثقل یکی از بزرگ ترین شبکه های ارتباطی در جهان قرار دارد که مانند پلی ارتباط میان شرق آسیا و ماورای قفقاز را به اروپا فراهم می کند.

در علوم استراتژیک، قرارگرفتن یک کشور وسیع در مجاورت آب های آزاد، علاوه بر منافع اقتصادی و دسترسی به منابع معدنی و غذایی دریاها، قابلیت دفاعی و تهاجمی ویژه ای به آن می دهد و امکان تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ را برای آن فراهم می کند؛ از این منظر، ایران که از لحاظ وسعت در جایگاه هجدهم جهان قرار گرفته است، با توجه به مجاورت با آب های

آزاد در جنوب، توانایی تبدیل به قدرت بزرگ شدن را دارد؛ همچنین ایران دومین کشور در جهان از لحاظ وسعت به همسایه است که با ۱۵ کشور از چهار جهت همسایه است. با وجود افزایش امکان تنش میان این کشور با همسایه‌ها، اما این ویژگی بر ارتباط اقتصادی و استراتژیکی ایران افزوده است.

از بعد دارایی‌ها و منابع طبیعی نیز ایران از جایگاه ویژه‌ای در سطح جهان برخوردار است. به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کشور ایران با وجود داشتن ۱٪ از جمعیت جهان، ۷٪ از منابع طبیعی جهان را در اختیار دارد که از جمله منابع ارزشمند و غنی این کشور می‌توان زغال سنگ، سنگ آهن، اورانیوم، روی، طلا، مس و فلزات دیگر مانند منگنز، نیکل، کبالت و آلومینیوم را نام برد. همچنین از مهم‌ترین معادن ایران، معادن غنی کائولین، فسفات، خاک نسوز، نمک، گل سفید، خاک سرخ، منگنز و منیزیت است.

اهمیت انرژی و منابع انرژی در دنیای امروز به کسی پوشیده نیست؛ از این رو منطقه خلیج فارس که به نوعی ژنراتور جهان محسوب می‌شود، برای تمام کشورها به ویژه کشورهای صنعتی و پیشرفته اهمیت بسزایی دارد. با این تفاسیر ایران را می‌توان یکی از مهم‌ترین کشورهای حاشیه خلیج فارس و به عنوان یکی از بازیگران اصلی و کلیدی در وقایع مهم انرژی منطقه نیز دانست؛ چراکه ایران تنها کشوری است که می‌تواند نیاز روزافزون کشورهای در حال توسعه شرق آسیا به انرژی را با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و همچنین منابع انرژی فراوانش پاسخگو باشد و این امر علاوه بر اعتبار ژئوپلیتیکی، ارزش و قابلیت‌های منحصر به فردی در زمینه ژئواکونومی به آن می‌دهد. همچنین ایران به عنوان یکی از اعضای مهم و بنیانگذار در سازمان همکاری

اوپک و اکو به مثابه پلی میان دو حوزه نفتی مهم در جهان (دریای خزر و خلیج فارس) قرار دارد و نقش مهمی در ثبات قیمت نفت خام در بازارهای جهانی و در نتیجه افزایش درآمد ارزی کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت و گاز خزر و اوپک ایفا می‌کند.

با ورود به هزاره جدید، کشور ایران به سبب داشتن جمعیت زیاد، ثبات سیاسی، منابع بالقوه اقتصادی و از همه مهم‌تر داشتن بیشترین ساحل خلیج فارس و تسلط بر تنگه استراتژیک هرمز و همچنین اتصال آن به کشورهای آسیای مرکزی و دریای خزر که مانند پلی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا عمل می‌کند، اهمیت ژئوپلیتیکی فوق‌العاده‌ای را به دست آورده است. از سوی دیگر افزایش توان تسلیحاتی و دفاعی ایران در سال‌های اخیر و افزایش فعالیت دیپلماسی این کشور و همچنین وجود منافع گسترده اقتصادی و سیاسی در زمینه‌های انرژی، معادن و بازارهای مصرف و همچنین وجود حکومت‌های پادشاهی هم‌پیمان با امریکا که تأمین‌کننده منافع و امنیت منطقه‌ای ایالات متحده‌اند، بر اهمیت امنیت منطقه و منطق کنش و واکنش‌ها در منطقه می‌افزاید.

اهمیت این منطقه برای ایالات متحده به عنوان یکی از پایه‌های اصلی هژمونی جهانی امریکا و نیز روزه تنفس این هژمونی، به حدی است که در سال ۲۰۱۴ بیش از ۳۵ هزار تن از نظامیان امریکایی در منطقه خاورمیانه مستقر بودند که به علت حساسیت‌های سیاسی و نظامی، توزیع دقیق آنها در سطح کشورهای منطقه مشخص نیست. از مجموع پایگاه‌های نظامی امریکا، واشنگتن در منطقه غرب آسیا و اطراف ایران بیش از ۵۶ پایگاه نظامی دارد. امریکا در ترکیه، عراق، کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده عربی،



عمان، یمن، فلسطین اشغالی، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان پایگاه نظامی دارد یا از پایگاه هوای این کشورها استفاده می‌کند.

لزوم دسترسی به منابع سرشار معدنی و انرژی نفت و گاز غرب آسیا و بهره‌برداری از آنها و نیز منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایالات متحده در این منطقه استراتژیک و همچنین وقوع انقلاب اسلامی در ایران و اتخاذ سیاست نه شرقی و نه غربی و عدم پذیرش نظم حاصل از هژمونی ابر قدرت‌ها به خصوص بعد از فروپاشی شوروی و ازدست رفتن جزیره ثبات امریکایی و ژاندارم لیبرال - دموکراسی در منطقه غرب آسیا و نیز افزایش توان بازدارندگی و تسلیحاتی و موشکی ایران و دستیابی به توانمندی‌های فضایی و هسته‌ای و تعمیق فضای راهبردی و صدور فرهنگ انقلابی مبتنی بر اسلام سیاسی جمهوری اسلامی تا سواحل مدیترانه در دهه‌های اخیر، ایران را به یکی از اصلی‌ترین چالش‌های امنیتی ایالات متحده در منطقه غرب آسیا و جهان تبدیل کرده است؛ تا جایی که سند امنیت ملی امریکا، ایران را در زمره تهدیدات اصلی منافع امریکا قرار می‌دهد.

اهمیت منطقه غرب آسیا از نظر تأمین عمده انرژی مصرفی کشورهای توسعه‌یافته و منافع گسترده سیاسی و اقتصادی این منطقه برای ایالات متحده و همچنین اهمیت این منطقه به عنوان روزنه تنفس ابرقدرتی امریکا و نیز وجود نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری یاغی که منافعی هژمونی ایالات متحده و داعیه‌دار مقابله با استیلای امریکا بر منطقه است، باعث شکل‌گیری منازعات گسترده در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی میان ایران و امریکا شده است.



ایران به تدریج توانسته است قدرت بازدارنده خود را ارتقا دهد. سطح این منازعات با ورود ایران به جمع کشورهای دارای توانمندی غنی سازی هسته‌ای و همچنین توانمندی ساخت موشک‌های بالستیک دوربرد و اخیراً اقدام ایران در افزایش عمق استراتژیک خود در سوریه و عراق و یمن، دستگیری تفنگداران نیروی دریایی آمریکا و نیز سرنگونی پهپاد امریکایی در خلیج فارس به بالاترین سطح خود در عمر چهل ساله جمهوری اسلامی ایران رسیده است.

تمام معادلات و گمانه‌زنی‌ها در خصوص آینده روابط میان ایران و آمریکا و چگونگی سرانجام این منازعات با ترور ژنرال قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و در پی آن حملهٔ اعلامی جمهوری اسلامی به پایگاه امریکایی در البدر و تحمیل تلفات سنگین لجستیکی و تجهیزات و انسانی که شبکهٔ NEWSWEEK تعداد کشته‌های این حمله را ۲۷۹ نفر اعلام کرد و عدم پاسخ متقابل ایالات متحده، به نوعی اعتبار خود را از دست داد.

تقابل میان ایران و ایالات متحده آمریکا در طول عمر چهل ساله جمهوری اسلامی ایران به اشکال مختلف نمود پیدا کرده است و آمریکا از هیچ گونه ابزاری از تحمیل جنگ نیابتی، انواع تحریم‌های مالی، تسلیحاتی و کالا، اقدامات دیپلماتیک و تلاش برای ائتلاف‌های ضد ایرانی و ترور فرمانده ارشد نیروی قدس دریغ نکرده است؛ اما تنها اقدامی که همیشه ایالات متحده از آن ابا داشته است، جنگ با جمهوری اسلامی ایران بوده است.

سؤالی که به ذهن می‌آید این است که بر خلاف رویه بازدارندگی تهاجمی ایالات متحده در رویارویی با کشورهایی که سطح منازعه‌ی میان آنها با

امریکا بسیار پایین تر از سطح منازعه ی ایالات متحده با ایران بوده است، از گزینه ی نظامی برای مهار آنها استفاده کرده است؛ و تلاش نموده تا با استفاده از اهرم جنگ، ضمن تغییر یا تضعیف نظام سیاسی حاکم در آن کشورها، اهداف و منافع خود را تامین کرده و برتری هژمونی خود را حفظ نماید. حال چگونه است که با تشدید منازعات میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده بویژه از سال ۲۰۰۰ میلادی و ورود به قرن جدید، ایالات متحده امریکا علی رغم تظاهر به روی میز بودن راه حل اقدام نظامی، تاکنون به جنگ تمام عیار با جمهوری اسلامی ایران اقدام نکرده است؟

تقابل میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی تنها یک تقابل ناشی از تعارض منافع نیست، بلکه تعارضی ماهوی است که تعارض منافع را نیز در پی داشته است. این تعارضات که از ابتدا به شکل مناقشاتی سیاسی ظاهر گشت، طی سال ها، بارها به درگیری های تاکتیکی میان طرفین انجامید؛ اما هیچ گاه به جنگ تمام عیار تبدیل نشده است. این کتاب در صدد آن است تا با بررسی نظر کارشناسان دریابد با توجه به رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده مبتنی بر رئالیسم تهاجمی، به خصوص بعد از ورود به هزاره جدید، چه محذورات راهبردی ای ایالات متحده را از اقدام به حمله نظامی و جنگ با جمهوری اسلامی باز داشته است.

تاریخچه پژوهش در خصوص جنگ احتمالی ایالات متحده و ایران، به صورت جدی به سال های آغازین ورود به قرن جدید باز می گردد. تحقیقات در این حوزه به طور کلی به سه بخش سیاست خارجی ایالات متحده، نظریات بازدارندگی و پیامدهای حمله نظامی ایالات متحده به جمهوری اسلامی ایران تقسیم بندی می شود. علی رغم پرداختن اندیشمندان مختلف

غربی و ایرانی به موضوعاتی چون استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی، اما کمتر کسی به محدودرات راهبردی ای که مانع از حمله نظامی امریکا به ایران گردیده، پرداخته است.

خورشیدی و یوسفی جویباری و کریمی (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان «مبانی تاریخی و نظری سیاست خارجی ایالات متحده امریکا» به بررسی دوره های تاریخی سیاست خارجی ایالات متحده امریکا از انزوآگرایی تا بین الملل گرایی و منطقه گرایی هژمونیک ایالات متحده پرداخته اند و ضمن بررسی دکترین های مختلف سیاست خارجی این کشور، روند حضور امریکا در منطقه غرب آسیا به عنوان قدرتی مداخله گر را بیان کرده اند.

فرخی چشمه سلطانی و عطار (۱۳۹۷) در مقاله «راهبرد موازنه از راه دور و سیاست خارجی امریکا (با تأکید بر غرب آسیا)» سیاست های غرب آسیایی ایالات متحده در دولت های مختلف و به خصوص پس از جنگ سرد و ورود به هزاره سوم را بیان و بر افزایش نقش مداخله گری ایالات متحده در این منطقه تأکید کرده اند.

متقی (۱۳۹۳) در کتاب تحول طرح های خاورمیانه ای امریکا، مبانی، موانع و چالش ها به بررسی شکل بندی های ژئوپلیتیکی و امنیتی خاورمیانه پرداخته و ضمن بیان نقش و کارکرد بازیگران دولتی در این منطقه، طرح خاورمیانه بزرگ ایالات متحده در قرن جدید، اهداف امریکا و منافع او در قالب این طرح را شرح داده است. متقی نقش گروه های هویت گرا در منطقه را بسیار پررنگ ارزیابی می کند. از سوی دیگر بروز انقلاب اسلامی در ایران و ظهور گفتمان مقاومت را از موانع پیش روی ایالات متحده در دستیابی به اهداف طرح خاورمیانه بزرگ می داند.



قاسمی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران» ضمن پرداختن به سیستم بازدارندگی از لحاظ تئوریک، بازدارندگی را مبتنی بر رابطه تقابلی میان واحدها دانسته و آن را بر دو الگوی منطقی و فیزیکی تقسیم‌بندی کرده است. قاسمی بازدارندگی را مستلزم ارتباط، توانمندی، عقلانیت و اعتبار تهدیدات می‌داند و عواملی چون جغرافیای طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و همچنین تکنولوژی نظامی، میزان پیوند نظام سیاسی و مردم و ساختار نیروهای مسلح را در اتخاذ مدل بازدارندگی که خود حاصل معادله دفاع - تهاجم است، مؤثر می‌شمارد.

قاسمی با برشماری عوامل مؤثری چون جغرافیا و شبکه ارتباطی، محدودیت‌های ساختاری، ترکیب و ساخت نیروهای مسلح و تسلیحات نظامی ایران معتقد است جمهوری اسلامی ایران باید سیستم بازدارندگی دفاعی از جمله بازدارندگی شبکه‌ای و غیرمستقیم را اتخاذ کند. قاسمی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «نکرش تئوریک بر طراحی مدل بازدارندگی»، با طرح این سؤال که مدل کلی سیستم بازدارندگی ایران در برابر رفتارهای نامطلوب رقیب چگونه بوده است، به بررسی این موضوع می‌پردازد و در پاسخ به این پرسش، معتقد است ایران به سبب موقعیت ژئوپلیتیکی خود در مرکز ثقل سیاست بین‌المللی و رقابت سیستمی قدرت‌های بزرگ قرار داشته است و به دلیل محدودیت توان داخلی میزان اثرگذاری محیط خارجی بر آن زیاد بوده است؛ از این رو پیروزی انقلاب اسلامی و سمت‌گیری قدرت یا قدرت‌های بزرگ یکی از مهم‌ترین عناصر در طراحی سیستم بازدارندگی آن به شمار می‌آید. در هر دوره‌ای که اراده داخلی برای طراحی سیستم مطلوب بازدارندگی ایران افزایش داشته، به تبع آن میزان فشارهای



خارجی نیز افزایش یافته‌اند؛ بنابراین پس از آن ایران در اعمال نقش به عنوان واحد مستقل عملاً تحت فشارهای محیط بین‌الملل قرار گرفته است. ایشان با استفاده از روش سری زمانی، سیاست خارجی ایران از زمان فروپاشی امپراتوری ساسانی تا زمان فعلی را بررسی کرده و معتقد است شناخت محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران نخستین گام در جهت تشخیص مدل بازدارندگی آن خواهد بود.

باقری دولت‌آبادی (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان «نقش عنصر بازدارندگی در راهبرد نظامی ایران» ضمن بیان اسناد بالادستی در جمهوری اسلامی ایران که بر بازدارندگی دفاعی تأکید دارند، به بیان مؤلفه‌های قدرت ایران می‌پردازد. وی نیروهای مسلح ایران اعم از نیروهای دریایی، زمینی، هوایی و موشکی و توانمندی‌های ایشان را بیان می‌کند و معتقد است این تجهیزات و مأموریت‌های ایشان بر اساس راهبرد بازدارندگی دفاعی طراحی شده است.

دولت‌آبادی با هدف قراردادن متحدان دشمنان در منطقه، استفاده از کشورها و نیروهای هم‌پیمان و تهدید امنیت صادرات انرژی را از مؤلفه‌های بازدارندگی سنتی بیان کرده و در ادامه ضمن تشریح تهدیدات نامتقارن معتقد است تهدیدات امروز ایالات متحده به عنوان اصلی‌ترین دشمن ایران در منطقه از این جنس هستند. دولت‌آبادی به این موضوع اشاره دارد که ایران نیز باید بازدارندگی خود را با استفاده از مؤلفه‌هایی چون توانمندی موشکی، بهره‌گیری از گروه‌های شبه‌نظامی شیعه و عملیات‌های گسترده و خاموش علیه امنیت اسرائیل طراحی کند.

در همین راستا اندیشمندان مختلف به بررسی فرصت‌های جمهوری

اسلامی ایران به عنوان مؤلفه‌های مؤثر در افزایش توان بازدارندگی پرداخته‌اند. غلامعلی و کریمی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در توان بسیج مردمی در قالب الگوی بازدارندگی همه‌جانبه دفاعی جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدید ناهمگون» توان بسیج شدن مردمی را در جمهوری اسلامی ایران، از مؤلفه‌های اصلی بازدارندگی تدافعی ایران می‌داند.

او تهدیدات ناهمگون را در فضای آنارشی بین‌المللی بر مبنای یک جنگ محدود با اغراض سیاسی، تلفات کم، کوتاه‌مدت، ارزان و تا حد امکان انسانی استوار دانسته و تجربه ایران در بسیج مردمی و سازماندهی آن را به عنوان عاملی در مقابل تهدیدات ناهمگون دشمن به‌ویژه ایالات متحده آمریکا برشمرده است. از نظر وی تجهیز اعتقادی، آمادگی رزمی و فراگیری مردم می‌تواند از عوامل مؤثر در تقویت بسیج مردمی محسوب گردد.

فرح‌بخش و صالحی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «پایگاه‌سازی نظامی در غرب آسیا (خاورمیانه) و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران» پایگاه‌سازی نظامی در نقاط مختلف جهان را ابزاری برای استیلای مناطق و افزایش قدرت کشورهای مدعی هژمون مانند ایالات متحده آمریکا دانسته‌اند و با طرح این سؤال کلی که پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه چه تأثیری بر اتخاذ مدل بازدارندگی از سوی ایران دارد، به بررسی تهدیدات ناشی از وجود آنها و نیز فرصت‌های بازدارندگی پیش روی ایران پرداخته‌اند. ایشان معتقدند در صورت عملی شدن تهدیدات علیه ایران، پایگاه‌های نظامی مهم‌ترین ابزار اعمال تهدیدات از سوی آمریکا هستند و پایگاه‌های موجود در اطراف ایران به طور بالقوه می‌توانند امنیت ملی ایران را در معرض خطر قرار دهند. در نتیجه حوزه راهبردی ایران تحت تأثیر آنها قرار خواهد گرفت؛ از این رو

با توجه به موقعیت جغرافیایی پایگاه‌های مذکور و نزدیکی آنها به مرزهای کشور، ایران با اتکا به سلاح‌های متعارف بومی و ارتقای برد و دقت و توان تخریب آنها در راستای مدل بازدارندگی تدافعی خود، بازدارندگی مناسبی را توسط موشک‌های بالستیک خود در برابر تهدیدات ناشی از پایگاه‌های نظامی امریکا در منطقه ایجاد کرده است.

امینیان و ضمیری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر رژیم کنترل تکنولوژی موشکی بر امنیت ملی و توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران» به تفصیل به شرح توان موشکی ایران و فرصت استفاده از آن به عنوان مؤلفه بازدارنده در مدل بازدارندگی مثلثی و تدافعی در مقابل تهدیدات نظامی امریکا پرداخته‌اند. اهمیت توان موشکی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بازدارنده جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر آسیب‌پذیری پایگاه‌های نظامی، تجهیزات و نیروی انسانی امریکا در منطقه از نکات مورد توجه ایالات متحده در عدم اتخاذ راهبرد تقابل نظامی با ایران محسوب می‌شود. پژوهشگرانی چون متقی، ارغوانی، پیرانخو، فیروزآبادی، عزیزی و بسیاری از پژوهشگران این حوزه بدان پرداخته‌اند.

اصفهان‌ی (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «روابط اقتصادی و منافع سیاسی ایالات متحده در خاورمیانه و شمال آفریقا» به تشریح این منافع و تهدیدات پیش روی ایالات متحده در منطقه می‌پردازد و ضمن بیان اهمیت انرژی در دنیای صنعتی امروز و لزوم تسلط بر این منابع و حفظ جریان آزاد انتقال انرژی، آن را برای ایالات متحده در زمره منافع حیاتی این کشور در کنار حفظ امنیت اسرائیل می‌داند.

کاتزمن و ملنیز و توماس (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی



و دفاعی ایران» که به کنگره امریکا ارائه شده است، به بیان اجمالی ریشه افزایش تنش‌های میان ایران و امریکا در سال‌های اخیر، به خصوص در دولت ترامپ پرداخته‌اند و ضمن بررسی توانمندی‌های دفاعی ایران و تبحر این کشور در انجام عملیات‌های نامتقارن، اقدامات تلافی‌جویانه ایران در واکنش به ترور ژنرال سلیمانی را تهدیداتی برای منافع و پرستیزایالات متحده دانسته و راهکارهای مقابله با جمهوری اسلامی را از جنبه‌های مختلف نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی بررسی کرده‌اند.

جیمز دوین، سارا هارتینگ و دالیا داساکای (۲۰۰۷) در فصلی از کتاب مقابله با ایران، با عنوان چشم‌انداز ایران، دکتین امنیت ملی ایران را محصول دو مؤلفه اصلی تجربه تاریخی و جغرافیا دانسته‌اند و معتقدند ایران به عنوان اصلی‌ترین بازیگر در امنیت خلیج فارس، تجربیات مثبتی از حضور بیگانگان در خلیج فارس نداشته است و هم‌اکنون نیز وجود این نیروهای مسلح به سلاح‌های کشتار جمعی در منطقه را تهدیدی برای امنیت خویش تلقی می‌نماید. ایران از نظر جغرافیا و منابع طبیعی از وضعیت خود راضی است و تجربه تلخ مداخله نیروهای داخلی در این کشور باعث شده است که به استقلال خود اهمیت دهد و به استقلال دیگر کشورها احترام بگذارد و با چنین تصویری نسبت به خود و منطقه، ثبات منطقه‌ای برای ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و امری ضروری است.

فردریک وری و دیگران (۲۰۰۹) در فصل پنجم کتاب خطرناک اما نه توانمند، با عنوان «درک عرب‌ها از تهدید ایرانیان»، حمایت ایرانیان از گروه‌های همسوی شیعه در کشورهای عربی منطقه و همچنین تأثیرگذاری بر افکار عمومی این کشورها را از مؤلفه‌های بازدارنده ایران در مقابل غرب



و دشمنان منطقه‌ای خود می‌داند. ایشان معتقدند چهره ایران در میان مردم عرب منطقه غرب آسیا، چهره‌ای محبوب است؛ چراکه مواضع ضد استکباری ایران و همچنین حمایت آنها از حزب الله و پیروزی آن بر اسرائیل، مورد اقبال مردم عرب منطقه بوده و به همین دلیل ایران را کشوری آشوب طلب نمی‌دانند. توانمندی نظامی ایران و نیز تأثیرگذاری آن بر مردم کشورهای که عموماً همسو با ایالات متحده‌اند و پادشاهی‌هایی که هم‌پیمان غرب‌اند، باعث گردیده این کشورها ایران را تهدیدی علیه موجودیت خویش قلمداد کنند و ایران نیز با علم به این موضوع، این موضوع را مؤلفه‌ای بازدارنده در مقابل ایالات متحده به کار می‌گیرد.

کیت کرین و دیگران (۲۰۰۶) در فصلی با عنوان «هزینه‌های اضافی برای نیروهای ایالات متحده در گسترش امنیت انتقال انرژی از خلیج فارس» در کتاب واردات نفت و امنیت ملی ایالات متحده، دسترسی آمریکا به منابع سرشار انرژی خلیج فارس و جلوگیری از حضور دیگر بازیگران قدرتمند جهانی را در اولویت سیاست خارجی و دفاعی خود قرار داده است. تحلیل‌گران غربی با بررسی منافع ایالات متحده در غرب آسیا و تهدیدات متوجه این منافع، معتقدند دکترین دفاعی ایران بر مبنای تهدیدات ناشی از حضور نظامی گسترده آمریکا در منطقه شکل گرفته است و ایران با استفاده از مؤلفه‌های قدرت خویش در صدد بازداشتن آمریکا از رویارویی با خود است. آنان معتقدند انتقال ایمن انرژی از خلیج فارس به وسیله پشتیبانی نیروهای نظامی دریایی و هوایی ایالات متحده امری پرهزینه برای این کشور است که مستلزم افزایش مالیات‌ها در آمریکا و فشار اقتصادی به مردم این کشور و مخالفت افکار عمومی با سیاست‌های خارجی آمریکا می‌گردد؛

چراکه امریکا ایران را به عنوان عامل ناامنی در انتقال انرژی می‌داند و از طرفی تهدیدات ایران در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز ناشی از تهدید قلمداد کردن حضور نظامی گسترده ایالات متحده در منطقه است.

عماد منصور (۲۰۰۸) نیز در مقاله‌ای با عنوان «ایران و بی‌ثباتی در خاورمیانه» به این نکته می‌پردازد که چگونه منافع و ترجیحات بر نظم منطقه‌ای تأثیر می‌گذارد. او معتقد است ایران در تلاش است تا به وسیله استفاده از مؤلفه‌های قدرت خویش در منطقه به قدرت بلامنازع در منطقه مطرح گردد. وی حضور قدرت نظامی امریکا در منطقه و منازعات میان ایران و امریکا را عامل بی‌ثباتی در منطقه می‌داند. در این منازعات با وجود پایین بودن توان نظامی ایران در برابر امریکا، ایران دارای مؤلفه‌هایی است که توانایی کافی برای ملوّن انداختن در برابر موانع بین‌المللی را به ایران می‌دهد. از نظر منصور این مؤلفه‌ها برنامه هسته‌ای ایران، وجود حزب الله، حماس، نیروهای سوری و نیروهای شبه نظامی شیعه در منطقه و به طور کلی نفوذ ایران در عراق و سوریه و لبنان و فلسطین است.

در خصوص پیشینه این پژوهش آنچه مورد توجه است، آن است که همان‌گونه که بیان گردید، بسیاری از پژوهشگران به بررسی موضوع بازدارندگی از لحاظ تئوریک و نیز بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در قبال تهدیدات وجودی ایالات متحده امریکا پرداخته‌اند و از آنجایی که مدل بازدارندگی کشورها علاوه بر توجه به نقاط آسیب‌پذیر و فرصت‌های یک کشور، به میزان تهدید و توانمندی رقیب نیز وابسته است؛ از این رو بازدارندگی ایران را متأثر از نوع توانمندی ایالات متحده و تهدیدات آن می‌دانند؛ پس بیشتر به مطالعه موردی و احتمالات موجود در حمله نظامی امریکا به جمهوری

اسلامی پرداخته‌اند.

رفعت‌نژاد و محسنی و رحمانی ساعد (۱۳۹۴) در مقاله «سناریوهای حمله نظامی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران» به بررسی سناریوهای احتمالی ایالات متحده برای حمله نظامی به ایران و موانع و فرصت‌های پیش روی امریکا با توجه به موقعیت جغرافیایی و نیز توانمندی‌های دفاعی ایران پرداخته‌اند که بر اساس این مؤلفه‌ها، امریکا چه استراتژی‌ای را برای حمله نظامی طراحی خواهد کرد.

لانگ و لوئرس (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «وزن هزینه‌ها و فایده‌های عملیات نظامی علیه ایران» که به کوشش ۳۲ نفر از مقامات سابق نظامی و امنیتی ایالات متحده تهیه شده است، ضمن بررسی سناریوهای حمله نظامی ایالات متحده به ایران، به توجه به توانمندی‌های دفاعی جمهوری اسلامی و هزینه‌ها و فایده‌های این عمل پرداخته‌اند و معتقدند حمله نظامی در صورتی که با هدف سرنگونی نظام در ایران یا ازیل کردن برنامه هسته‌ای این کشور صورت گیرد، در نهایت علاوه بر هزینه‌های نظامی، سیاسی، انسانی و اقتصادی کلانی که برای امریکا به همراه دارد، نه تنها باعث سقوط نظام اسلامی نخواهد شد، بلکه با صرف هزینه‌ای کلان و عملیات‌های مداوم که جنگ را طولانی مدت و فرسایشی خواهد نمود، تنها می‌تواند در پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران وقفه ایجاد کند.

یادلین و گولوو (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «اگر حمله شود، ایران چگونه پاسخ می‌دهد» توانمندی‌های دفاعی ایران و به نوعی استراتژی‌های بازدارندگی ایران در مقابل حملات احتمالی غرب به این کشور را برشمرده‌اند و توانمندی ایران در بهره‌گیری از جنگ‌های نامتقارن در سطح منطقه با



استفاده از توانمندی موشکی، جنگ دریایی، تهدید صادرات انرژی از منطقه و تهدید متحدان غربی مانند اسرائیل و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و نیز استفاده از نیروهای نیابتی پرده برداشته‌اند.

استراتژی بازدارندگی شبکه‌ای از جمله استراتژی‌های بازدارندگی ایران بنا بر بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچری ایران محسوب می‌شود؛ از این رو اسکوبل و نادر (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «چین در خاورمیانه، اژدهای محتاط» ضمن بیان تاریخچه حضور چین در منطقه غرب آسیا و تهدیدها و منافع این کشور در منطقه را ارزیابی کرده‌اند و معتقدند حضور این کشور در منطقه غرب آسیا بیشتر جنبه اقتصادی دارد؛ از این رو ضمن تبیین رابطه اقتصادی و استراتژیکی میان ایران و چین، ارتباط با ایران را برای این کشور به منظور دستیابی به منافع حیاتی او در منطقه بسیار پراهمیت دانسته‌اند.

ورموث (۲۰۱۹) نیز در مقاله‌ای با عنوان «روسیه و چین در خاورمیانه: مفاهیمی برای ایالات متحده در دوره‌ای از رقابت استراتژیک» معتقد است حضور چین و روسیه در منطقه با ورود به هزاره سوم به شدت پررنگ گردیده که این امر منافع ایالات متحده در منطقه را با خطری جدی مواجه ساخته است و امریکا به شدت نگران ظهور هژمونی‌ای رقیب در مقابل خود در منطقه است. پرینس (۲۰۲۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «ذی نفع بحران میان ایالات متحده و ایران، روسیه خواهد بود» به سیاست خارجی روسیه بر مبنای اقتضاسنجی اشاره کرده و معتقد است علاوه بر تمایل روسیه به استقرار ایران به عنوان نظامی ناراضی در مقابل ایالات متحده که قدرت منطقه‌ای او را به چالش کشیده است، در صورت بروز هرگونه درگیری میان این دو کشور



شاهد ظهور هژمونی جدیدی در منطقه با عنوان روسیه خواهیم بود. از مهم‌ترین استراتژی‌های بازدارندگی جمهوری اسلامی در مقابل ایالات متحده، استفاده از محور مقاومت و گروه‌های شبه‌نظامی همسوی با ایران است که به شکل گسترده‌ای در سراسر جهان و به‌ویژه منطقه پراکنده شده‌اند و توانایی ایراد ضربات کاری به نیروها و منافع ایالات متحده در منطقه و جهان را دارند.

سیفی (۱۳۹۱) در مقاله «ژئوکالچراسلام‌گرایی شیعی در خاورمیانه و تأثیر آن بر بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران» ضمن بیان ظرفیت ژئوکالچری شیعه در منطقه، گروه‌های نظامی شیعی پراکنده در منطقه را عاملی مؤثر در ایجاد بازدارندگی در مقابل ایالات متحده دانسته و معتقد است این گروه‌ها که با بهره‌گیری از کمک‌های مالی و تسلیحاتی ایران، بسیار بیش از گذشته قدرتمند گردیده‌اند، توان بالایی در انجام عملیات‌های نامتقارن در مقابل دشمن را دارند و هزینه‌های زیادی را به آمریکا اسرائیل و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تحمیل خواهند کرد.

به طور کلی می‌توان گفت تعارضات ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران موجب بروز مناقشه میان این دو کشور گردیده است و این مناقشات در برهه‌هایی به درگیری تاکتیکی انجامیده است؛ اما آنچه مورد توجه است، دلایل ایالات متحده برای عدم اقدام به جنگ با جمهوری اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی ایران در استراتژی سیاست خارجی ایالات متحده در قرن ۲۱ تهدیدی جدی برای ثبات منطقه، امنیت انرژی و منافع حیاتی ایالات متحده در منطقه محسوب می‌شود. با توجه به عدم تقارن در قدرت این دو کشور و امتناع

امریکا از انجام جنگ با ایران که بر خلاف مشی سیاست تهاجمی این کشور در هزاره جدید و مواجه با موارد مشابه است، اهمیت موضوع پژوهش بیش از پیش روشن می گردد.

هرچند اندیشمندان مختلفی در ایران به توان بازدارندگی ایران و مؤلفه های مختلف آن پرداخته اند، آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، دلایل و به طور کلی محذورات ایالات متحده در مسیر اقدام نظامی است که هدف این کتاب آن است که ضمن بررسی مؤلفه های بازدارندگی مؤثر منطقه ای جمهوری اسلامی ایران، به تأثیر محدودیت های راهبردی ایالات متحده در عدم امکان رویارویی نظامی با جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

این کتاب در ۷ فصل تلاش نموده است تا با بهره گیری از نظرات اندیشمندان و امکانات برجسته ی علوم راهبردی و نظامی - امنیتی ایران و جهان، پاسخی علمی به سوال اصلی که همانا "دلیل عدم اقدام نظامی ایالات متحده در مقابل جمهوری اسلامی ایران است" داشته باشد؛ از این رو، چهارچوب نظری موضوع مورد بحث "نظریه واقعگرایی" به عنوان نظریه ی غالب در علم روابط بین الملل در نظر گرفته شده است. لذا سازماندهی فصول کتاب نیز بر همین مبنی شکل گرفته است بگونه ای که در فصل اول به منظور آشنایی با دلایل اهمیت این منطقه برای ایالات متحده، به بیان ویژگی های جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی ایران پرداخته است و در فصل دوم ضمن تعریفی اجمالی از منطق سیاست خارجی ایالات متحده، تاریخچه ارتباطات آمریکا و ایران را در دو دوره پهلوی و انقلاب اسلامی بررسی می نماید.

آشنایی با چهارچوب نظری بحث به عنوان عینکی که از ورای آن به

تحلیل شرایط، ویژگی ها و محدودیت های پردازیم، از مهمترین ملزومات پژوهش های علمی محسوب می شود از این رو فصل سوم کتاب به تفصیل ضمن تعریف نظریه واقع گرایی، استراتژی بازدارندگی را به عنوان یکی از سیستم های مدیریتی در این چهارچوب فکری شرح می دهد.

این کتاب تلاشی علمی را در فصول چهارم، پنجم و ششم به منظور تعریف استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی و چالش های ایالات متحده در مواجهه با آنها مصروف داشته و کلام آخر را در جمع بندی و نتیجه گیری بر اساس یافته ها و نظرات دانشمندان مختلف ساماندهی نموده است.

کتاب حاضر می تواند پاسخی علمی به دلایل امتناع ایالات متحده از رویارویی نظامی با جمهوری اسلامی، در قالب جنگ تمام عیار ارایه داده و با توجه به ادامه ی تنش ها و نزاعات میان این دو کشور، چهارچوب تحلیلی مناسبی را در اختیار دانشجویان علوم سیاسی و عموم خوانندگان، در تحلیل و ارزیابی ادعاها و تهدیدات ایالات متحده و فهم سیاست های منطقه ای جمهوری اسلامی ایران قرار دهد.